

معیارهای کالبدی و تأثیر آن بر فرهنگ جرم‌زا در محلات مرفه و غیرمرفه شهر بابلسر رضا لحمیان^۱

استادیار جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۵/۱۲/۱۶

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۵/۰۹/۱۵

چکیده

احساس امنیت در فضاهای شهری یکی از شاخص‌های کیفیت فضا محسوب می‌شود. با گسترش شهرنشینی و افزایش رفتارهای ناهنجار شهری به‌ویژه جرائم، این موضوع اهمیت زیادی یافته است. هدف از انجام این بررسی شناخت تأثیرات معیارهای کالبدی بر روی شکل‌گیری فرهنگ جرم‌زا در محله‌های مرفه و غیرمرفه شهر بابلسر می‌باشد. روش این تحقیق توصیفی-تحلیلی و از لحاظ هدف کاربردی است. به‌منظور مطالعه و شناخت وضعیت ساختارهای کالبدی محیطی محله‌های مرفه و غیرمرفه شهر بابلسر از روش میدانی بهره‌جسته‌ایم. ابزار جمع‌آوری اطلاعات مصاحبه، فیش‌برداری و پرسشنامه می‌باشد. نتایج نشان‌دهنده این است که در محله‌های مرفه، همه مؤلفه‌های معیار کالبدی، بالاتر از حد متوسط ($Mean = 3$) ولی در محله‌های غیرمرفه همه مؤلفه‌ها پایین‌تر از حد متوسط قرار دارند و همچنین بین مؤلفه‌های معیار کالبدی و شکل‌گیری فرهنگ جرم‌زا در دو نوع محله رابطه معناداری وجود دارد. نتایج نشان داده‌اند که هرچه مؤلفه‌های پاکیزگی محیط محله‌ای، فضای کالبدی و میزان روشنایی در محلات مورد مطالعه ارتقاء یابد به همان نسبت کاهش شکل‌گیری فرهنگ جرم‌زای بیشتری حاصل می‌شود. یکی از راهکارهایی که در این زمینه می‌توان پیشنهاد داد این است که ساخت‌وسازهای کالبدی و نورپردازی معابر و کوچه‌های محله‌های غیرمرفه شهر بابلسر بهسازی و ساماندهی گردند.

واژگان کلیدی: فضای شهری، شاخص‌های فضایی، فرهنگ جرم‌زا، شهر بابلسر

مقدمه

با گسترش شهرنشینی و نیاز به احساس امنیت در فضاها و مکان‌های شهری نیازمند درک و کشف عوامل تأثیرگذار در این مقوله می‌باشیم. حال ایجاد ناهماهنگی میان فعالیت‌ها، جمعیت و فضا باعث ایجاد ناامنی شهری و جرائم می‌گردد. «بنابراین شناخت فضاها و عوامل مؤثر در کاهش امنیت و برهم خوردن نظم شهری از نکات بسیار مهمی است که طراحان و برنامه ریزان شهری در مدیریت شهری باید به آن‌ها توجه ویژه‌ای داشته باشند.» (Bayat, 2008, P. 86). در این میان مهم‌ترین نظریه‌ای که مطرح شده است نظریه‌ای معروف به "پیشگیری از جرم از طریق طراحی محیطی" است. اهمیت و ضرورت این موضوع، کمک مؤثری به پیشگیری از جرم از طریق طراحی مناسب‌تر محیط‌های شهری همراه با امکان کنترل اجتماعی و نظارت غیررسمی شهر، شناسایی کانون‌های شکل‌دهنده فرهنگ جرم‌زا و کنترل بهتر این مکان‌ها و تغییر آن‌ها به فضاهای مقاوم در برابر جرم نموده است (Bahreyni, 1998, P. 49). در واقع از دهه ۱۹۶۰ به بعد، علاقه فزاینده‌ای نسبت به مطالعه نقش محیط در بزهکاری و در نقطه مقابل تأثیر شرایط محیطی در پیشگیری جرم شکل گرفت. "جین جیکوبز" از جمله پیشروان این ایده بود وی در اثر معروف خود تحت عنوان "مرگ و زندگی شهرهای بزرگ آمریکا" که در سال ۱۹۶۱ انتشار یافت بحث مهم نوع طراحی شهرها و تأثیر آن در کاهش بزهکاری و همچنین مراقبت‌های طبیعی و معمولی مردم در پیشگیری از بزهکاری را مطرح نمود. در سال ۱۹۶۹ "جفری" نخستین کسی بود که عبارت "پیشگیری از جرم و جنایت از طریق طراحی شهری" را به کار برد. او به برنامه‌ریزی شهری و طراحی ساختارهای شهری واحدهای همسایگی به‌منظور کنترل و پیشگیری از جرم و جنایت تأکید داشت (Cozens, 2000, P.10). به نظر "جفری" جامعه‌شناسان به میزان قابل‌توجهی در عوامل اجتماعی مؤثر بر جرم از قبیل محرومیت، تأثیرات فرهنگی، خانواده و... اغراق کرده‌اند و به عوامل بیولوژیکی و محیطی توجهی نداشته‌اند. او بر فرصت‌هایی که محیط در اختیار مجرمین قرار می‌دهد تأکید داشت و جرائم گوناگون را ناشی از این فرصت‌های محیطی می‌دانست (Clarke, 2001, P. 3). در سال ۱۹۷۳ در راستای اندیشه‌های پیشگیری جرم "اسکار نیومن" دیدگاه فضای مقاوم در برابر جرم (فضای قابل دفاع) را مطرح کرد. مطالعه نیومن پاسخی به میزان بالای جرائم در شهرهای آمریکا بود. به اعتقاد او فضاهای مقاوم در برابر جرم امکان مناسبی برای بازساخت محیط مسکونی شهرها فراهم می‌آورد (Abdollahi, 2004, P.47).

شهر بابلسر دارای ۲۲ محله می‌باشد که برخی از آن‌ها جزو محلات مرفه و برخی دیگر غیرمرفه می‌باشند، در برخی از این محلات سطح فرهنگی خانواده‌ها پایین بوده و از طرفی دیگر، ساختارهای شهری واحدهای همسایگی در این محلات بر افزایش جرم و جنایت تأثیرگذار بوده و فرصت‌هایی را در محیط در اختیار مجرمین قرار می‌دهند. بنابراین ایجاد این ناهماهنگی‌ها میان فعالیت‌ها، جمعیت و فضا باعث ایجاد ناامنی شهری و جرائم در شهر بابلسر شده است. پس از طرح این مسائل می‌توان در شهر بابلسر، این سؤال را مطرح نمود که؛ سؤال اصلی این تحقیق این است که آیا تفاوت در معیارهای کالبدی تأثیری بر روی شکل‌گیری فرهنگ جرم‌زا در محله‌های مرفه و غیر مرفه شهری دارد؟

هدف از انجام این بررسی شناخت تأثیرات افتراقات معیارهای کالبدی بر روی شکل‌گیری فرهنگ جرم‌زا در محله‌های مرفه و غیر مرفه شهر بابلسر می‌باشد.

مفاهیم بنیادی

جرم و جرائم شهری

هر فعل یا ترک فعلی که در قانون برای آن مجازات یا اقدام‌های تأمینی در نظر گرفته شده است، جرم محسوب می‌شود (ماده ۲ قانون مجازات اسلامی). دورکیم جامعه‌شناس فرانسوی معتقد است: «هر عملی که درخور مجازات باشد، جرم است». یعنی هر فعل یا ترک فعلی که نظم و آرامش اجتماعی را مختل سازد و قانون نیز برای آن مجازاتی تعیین کرده باشد، «جرم» محسوب می‌شود (Rahmat, 2009, P.4). از نظر حقوقی نیز «جرم عملی است که برخلاف یکی از موارد قانون مجازات عمومی هر کشور باشد و مجرم کسی است که در زمان معینی عمل او برخلاف قانون رسمی کشور باشد». جرم یا بزه هر عملی است که دارای دو شرط زیر باشد:

- رفتاری که بیش از حد قابل قبول، مخرب باشد.
 - رفتاری که کنترل آن از طریق احکام غیررسمی به‌تنهایی دشوار باشد (Sarir Afraz & et al, 2009, P. 3-4).
- جرائم شهری، جرایمی هستند که در محیط شهری روی می‌دهند. منظور از محیط شهری نیز همین مفهوم جغرافیایی و اجتماعی است و از این لحاظ شامل حومه شهر و اشخاصی است که به‌طور غیررسمی در حاشیه شهرها اسکان دارند، نیز می‌گردد.

از سویی دیگر از دید جرم‌شناسی، شهرنشینی منجر به ایجاد فرصت‌های بیشتری برای ارتکاب جرم گردیده و فقدان یا ضعف کنترل‌های اجتماعی، زمینه را برای فعالیت‌های مجرمانه بیشتر فراهم می‌سازد و با لحاظ این موضوع که تفاوت در ساختار و مسائل اجتماعی فی‌نفسه منجر به ارتکاب جرائم گوناگون در مناطق مختلف می‌شود. برای مثال در مناطق شلوغ جرایمی چون سرقت، جیب‌بری و منازعه و در مناطق خلوت، جرایمی همچون تجاوز، ضرب و جرح و قتل، شیوع بیشتری دارند (Heydarzade, 2013, P.2-3). جرم شهری پدیده‌های جرم‌شناختی و بیشتر اجتماعی است و خود را در اشکال گوناگونی از قبیل وندالیسم (تخریب‌گری) نشان می‌دهد. اما بدین معنا نیست که پای حقوق به میان کشیده نشود. علاوه بر جرائم شهری پاره‌ای از تخلفات نیز هستند که در قالب قانون شهرداری پیش‌بینی می‌شوند؛ بارزترین نمونه این قانون تخلفات ساختمانی است (Rahmat, 2009, P.5).

نظم و انحراف اجتماعی

نظم اجتماع از نظر مفهومی به معنای حداکثر هم‌نوایی اعضای جامعه به‌هم‌چراها، ارزش‌ها، قوانین و کاربردهای مطلوب نهادهای اجتماعی می‌باشد. جامعه‌شناسان بر این باورند که بنیان نظم اجتماعی، رعایت قوانین اجتماعی است. قوانین اجتماعی، ابزار تنظیم رابطه فرد با جامعه است که زیست اجتماعی را امکان‌پذیر ساخته و محدودیت‌هایی را برای هوای نفسانی و فردیت افراطی ایجاد می‌کند (Saaei, 1997, P 78). در تخریب دیگر نظم اجتماعی به نظم رایجی اطلاق می‌شود که اطلاعات همگان را از یک نظم ارزشی جاافتاده و رایج به‌منظور ارجح داشتن طبقات و قشرهای ممتاز اولویت می‌بخشد. اساس این نظم بر این اندیشه استوار است که ثروت اساسی یک

جامعه را صلح و آرامش تشکیل می‌دهد (Mollazade Ganji, 2013, P.21). از سوی دیگر انحراف اجتماعی به آن دسته از اعمالی که به اعتقاد گروه یا گروه‌های حاکم خطرناک تلقی می‌شود، اطلاق می‌گردد. بدیهی است که در هر گروه اجتماعی انحراف از ضوابط و ارزش‌ها صورت می‌گیرد و این انحراف‌ها لازمه تحول جامعه و نیل به پیشرفت و تعالی است. با این وصف بعضی انحراف‌ها چنان برای حفظ امنیت یا نظام کلی اجتماعی مضر و خطرناک تلقی می‌شود که گروه‌های حاکم مجازات آن‌ها را ضروری می‌شناسند و تصور می‌کنند که از طریق مجازات یا تهدید اجرای آن جلوی بروز این‌گونه واکنش‌ها گرفته خواهد شد (Sanei, 1993, P.36).

پیشگیری از جرم و نظریه CPTED

پیشگیری در لغت به معنای عمل پیش گیر، دفع و جلوگیری، پیشگیری کردن به معنای دفع، جلوگیری کردن، مانع گشتن، منع کردن، به نگهداری برخاستن می‌باشد (Dehkhoda, 1998, P.5991). در جرم‌شناسی پیشگیری به معنای به کار بردن فنون مختلف به منظور جلوگیری از وقوع بزهکاری است. اصطلاح پیشگیری از جرم از طریق بافت کالبدی و طراحی محیطی مناسب و کاربری مؤثر از فضا و محیط ساخته شده، که منجر به کاهش فرصت‌های مجرمانه، ترس از جرم و بهبود کیفیت زندگی می‌شود (Ghurchi, 2007, P.4). طراحی شهری از طریق تغییر در کالبد محیط شهری، ابزارهای لازم در این خصوص را از قبیل: ایجاد محدودیت و کنترل دسترسی، ایجاد موانع و سد کردن موقعیت‌های ارتکاب جرم، دشوار کردن اهداف مجرمانه، تغییر رفتار شهروندان در محیط‌های شهری، کنترل و مراقبت عرصه‌های عمومی و مداخلات محله‌ای، از بین بردن مکان‌های اختفاء یا راه‌های فرار مجرمان و بسیاری موارد دیگر، برای پیشگیری از جرائم در اختیار دارد (Heydarzade, 2013, P.5). از طرفی نظریه CPTED بر این ادعا استوار است که می‌توان با "طراحی مناسب و کاربردی مؤثر از محیط از ارتکاب جرم پیشگیری کرده و علاوه بر بهبود کیفیت محیط زندگی بر ترس ناشی از جرم نیز غلبه کرد" (Crowe, 2000, p. 54) این نظریه تمرکز و هدف خود را بر "محیط ساخته شده" و جرائم مرتبط و شایع در منازل مسکونی مانند دیوارنویسی، تخریب و سرقت قرار می‌دهد (Cozens & et.al, 2005, p.328). این دیدگاه نسبت به سایر انواع پیشگیری‌ها به قول کوسن این مزیت را دارد که تغییر وضعیت بسیار ساده‌تر از تغییر وضعیت شخص است" (Clarke, 1997, p.190). این دیدگاه دربرگیرنده تحلیل‌های دقیق وضعی از جرم است که به دنبال یافتن وضعیت‌ها و شرایطی است که می‌تواند فرصت‌های مجرمانه ایجاد کند (Wekerl & Whitzman, 1994, p.12). شاید در این میان بتوان گفت که نقش و تأثیرگذاری محیط بر جرم از ابتدا زیاد مورد توجه واقع نشده بود البته اگر به این مسئله پرداخته شده باشد بیشتر این رویکردها جبرگرایانه بوده و بیشتر بر تأثیرگذاری محیط جغرافیایی و طبیعی بر جرم پرداخته شده است (Gozón, 2005, P. 179-183). در این رابطه می‌توان گفت که طراحی مهارتی بنیادی جهت سازمان‌دهی مجدد فضاهای شهری می‌باشد. مهارتی که آن را از فعالیت‌های دیگر در زمینه برنامه‌ریزی و مهندسی محیط ساخته شده، باز می‌شناساند. طراحی باعث ایجاد نظم، زیبایی و مقیاس می‌شود: نظم مبتنی بر آرایش منطقی و قابل فهم عناصر مستقل می‌باشد، که ترتیب و رابطه یک عنصر با عناصر دیگر را دربر می‌گیرد» (Trancik, 1986, P.225). از طرفی دیگر عامل قلمرو نشانه مالکیت با تحت سرپرستی بودن منطقه است که هم موجب نظارت ساکنان بر منطقه می‌شود و هم به طور نامحسوس با اخطار دادن به مجرمین مبنی بر اینکه در حال قدم گذاشتن به حریم خصوصی افراد هستند مانع کار آن‌ها می‌شوند (Falahat,

(2006, p. 3-62). بنابراین نظارت بر سه گونه است: غیررسمی یا طبیعی (از طریق پنجره‌ها) رسمی یا سازمان‌یافته و مکانیکی، که سارقان بر اهمیت نظارت ساکنان محله صحنه گذاشته‌اند و بعد از مالکان، همسایگان را مهم‌ترین افراد برای نظارت بر محله معرفی کرده‌اند (Bennett, 1986, p41-55). ارتقا و بهبود تصویر مثبت از محیط حفظ و نگهداری مرتب و روزانه محیط این اطمینان را به ساکنین می‌دهد که محیط فیزیکی کارکرد خود را به طور مؤثر انجام داده و موجب انتقال پیام‌های مثبت به تمام ساکنان و کاربران فضا خواهد شد و کاهش را در پی دارد (-p29 Wilson & Kelling, 1982, 38). نگهداری بهتر از محیط علاوه بر افزایش قلمرو گرایي در میان ساکنان احساس تعلق به فضا را ارتقا داده و این حس را القا خواهد کرد که این محله دارای فضای امنی است و کوچک‌ترین انحراف و خطایی در این محیط با واکنش روبه‌رو خواهد شد (Spleman, 1993, p481-98).

به نظر اسکار نیومن برای خلق فضاهای قابل دفاع باید هر فضایی متولی داشته باشد و فضاهای خالی و بدون متولی، موقعیت ارتکاب جرائم را به وجود می‌آورد، وی سلسله مراتبی را برای فضاها معین می‌کند (Heshmati, 2003, P. 44). اسکار نیومن معتقد است فضاهای تعریف‌نشده و غیرقابل دفاع احساس آزار رسانی را به وجود می‌آورند و مشوق بروز جرائم هستند (Bahreyni & et al, 1998, P. 22-27). ویلسون ثابت کرد، که خراب‌کاری در مناطقی که اجازه پیدایش فضای قابل دفاع را نمی‌داد، نسبت به دیگر مکان‌ها شایع‌تر بود (Rvzbnam & et al. 2000, P. 50).

هم نیومن و هم کولمن طرفدار این عقیده بودند که نه فقط این بلوک‌های آپارتمانی مسکونی و مرتفع عموماً همراه با جرم و بزه‌کاری، فقر و شرایط مسکونی نامطلوب می‌باشند، بلکه همچنین دیده شده است که آن‌ها مناطق پشت صحنه خوبی برای روی آوردن به خلافکاری و سایر خشونت‌ها می‌باشند (Dickens, 1998, P. 217). همچنین تحقیقات هیلیر نشان داد که میزان سرقت در اماکن کم تراکم‌تر از اماکن با تراکم بالا بیشتر است (Carmona & et al. 2013, P. 127). نمادها و علائم از عوامل مهم در میزان جرم هستند، بدین ترتیب افراد به‌خصوص افراد غریبه به محیط و تازه واردین از طریق برقراری ارتباط با آن‌ها احساس امنیت می‌کنند و مسیر خود را می‌یابند. بنابراین، «تصویری نیکو از محیط، به شخص نوعی احساس امنیت می‌دهد (Lynch, 1993, P. 92). روشنایی تأثیر غیرقابل‌انکاری در پیشگیری از جرم دارد. روشنایی دو کار انجام می‌دهد: نخست این که به کسانی که ناظر یک وضعیت هستند کمک می‌کند که واضح‌تر ببینند و دیده شوند. دوم اینکه مردم را تشویق به حضور بیشتر در محیط می‌کند زیرا رؤیت پذیری بیشتر موجب احساس امنیت بیشتر و افزایش چشم‌های ناظر بر خیابان می‌شود. بعد از تاریکی هوا فرصت نظارت کم می‌شود. این کمبود از طریق روشنایی جبران می‌شود و تحقیقات زیادی به تأثیر این موضوع پرداخته‌اند (Cozens and et.al, 2003, p7-24). روشنایی می‌تواند با افزایش فرصت نظارت برای افراد و بالا بردن قلمرو گرایي در محله و القا حس امنیت علاوه بر کاهش جرم بر ترس ناشی از جرم نیز غلبه می‌نماید.

جدیدترین بررسی که درباره روشنایی و نور انجام شده است توسط ولس و فارینگتون بوده است (See: Farrington & Welsh, 2002, P. 32). این دو نفر تعدادی از مطالعات موجود در آمریکا و انگلستان را مورد بررسی دوباره قرار داده‌اند. نتیجه این بررسی نشان‌دهنده این است که بهبود روشنایی در خیابان‌ها موجب کاهش هفت درصدی جرائم در هشت مطالعه انجام شده در آمریکا شده است و در پنج مطالعه انجام شده در انگلستان نیز کاهش سی درصدی جرائم قابل مشاهده است. این تحقیق پیشنهاد می‌کند که روشنایی خیابان‌ها و بهبودان احتمالاً با افزایش کنترل

اجتماعی غیر رسمی - و نه بهبود فرصت نظارت - موجب کاهش میزان جرائم می‌شود. در برخی مطالعات انجام شده نیز تأثیر روشنایی بر کاهش جرم بیست در صد بوده است (Poyner & Webb, 1997, p83-9). «بی‌شک از عوامل وقوع ساده جنایت، انجام آن در تاریکی و به دور از انظار مردم است. شب و تاریکی موجب تسهیل در روند تکوین اعمال مجرمانه می‌شود، به طوری که بزهداران عموماً اعمال مجرمانه را در شب و تاریکی انجام می‌دهند. بدین جهت است که امروزه برای پیشگیری از جرائم در شب، صاحب‌نظران جامعه‌شناس و جرم‌شناسان پیشنهاد می‌نمایند که خیابان‌ها و کوچه‌های شهرها را در هنگام شب با روشنایی‌های قوی و پرنور، روشن و قابل‌رؤیت سازند» (Aghaeinia, 1997, P. 22). طبعاً در جامعه‌ای که پاکیزگی محیط، هنجار محسوب می‌شود، عدم رعایت پاکیزگی و نظافت در فضای شهری اولین نماد هنجارشکن محسوب می‌شود. «مطالعات به عمل آمده با استفاده از GIS در ژاپن حاکی از آن است که در ساختمان‌هایی که کنار آن‌ها محل زباله بیشتر باشد، شرایط جرم‌خیزی در آن‌ها به همان نسبت بیشتر می‌گردد» (Ogawa & et al, 2003, P. 2). همان‌طور که در نظریه پنجره‌های شکسته که از سوی ویلسون و کلینگ در سال ۱۹۸۲ ارائه شد، ارتباط محیط‌های شهری آلوده، خشن و به هم ریخته را با افزایش جرم تعبیر می‌کند (Perkins, 1993, P. 29). پارک، شاپو مک کی ثابت کرده‌اند که در مناطق کثیف (محلات کثیف) همراه با از بین رفتن کنترل‌های اجتماعی که به وسیله آن‌ها مردم به رعایت قیود نیز اعتقاد پیدا می‌کنند، اعمال جنایی به شکل طبیعی جلوه می‌کند. تراشر جنین می‌نویسد: حالا که یک تعریف کلاسیک از زندگی گروهی در دست داریم، می‌توان گفت که تخلف و جنایت نتیجه طبیعی این نوع محیط است» (Mosavati Azar, 1995, P. 23). به‌طور کلی، محدوده شهری مکان‌هایی حساس و آسیب‌پذیر هستند و انواع زباله و آلودگی‌ها از عوامل به هم زنده توازن زیست‌محیطی و حتی اکولوژیکی شهرها محسوب می‌شوند. بنابراین مدیران فضاهای شهری با به‌کارگیری روش‌های قانونی و فنی جهت دستیابی به محیط‌زیستی مساعد و سالم، با آلودگی‌ها به مبارزه بپردازند، تا بدین ترتیب هم از شرایط غیربهداشتی شدن محیط و هم از کاهش کیفیت و شرایط اجتماعی نابهنجار پیشگیری نمایند (Peir Moure & et al. 1994, P. 297). در سال ۱۹۸۲ ویلسون و کلینگ نظریه پنجره‌های شکسته را ارائه نمودند. بر اساس این نظریه بین فضاهای شهری خشن و به هم ریخته با افزایش جرم رابطه وجود دارد. طبق این نظریه وجود نشانه‌هایی از نبود کنترل و نظارت اجتماعی بر محیط نظیر پنجره‌های شکسته یک ساختمان، وجود آشغال و ... به مثابه چراغ سبزی برای مجرمین است (Kalantari, 2003, P. 82).

جدول ۱- چهار نظریه در مورد جرم و جنایت و خشونت در فضاهای شهری

کنترل فضا / حاکمیت	نظارت	فعالیت
تمایز کردن آشکار عرصه عمومی و خصوصی	نیاز به چشم‌هایی نظاره‌گر از سوی صاحبان طبیعی، هم ساکنان و هم استفاده‌کنندگان که می‌توانند با استفاده از تنوع فعالیت‌ها و عملکردهایی که مردم را جذب می‌کند تقویت گردد.	فعالیت‌های هم‌جوار خیابان می‌بایست رهروان پیوسته‌ای را فراهم کند، تا بحث نظارت تقویت گردد.
محیط کالبدی می‌بایست دارای خصوصیات مانند مکانیزم‌های نمادین، مرزها و سلسله مراتبی تعریف شده از عرصه‌های خصوصی تا عمومی باشد تا پهنه‌های مختلف درک و دانسته شود	ایجاد ظرفیت کالبدی نظارتی در فضا تا فرصت نظارت برای ساکنان و دیگر نهادها ممکن گردد	مخالف این نظریه است که حضور فعالیت‌های بیشتر و بالأخص حضور فعالیت‌های تجاری میزان جرم و جنایت را کاهش می‌دهد
کنترل دسترسی‌های طبیعی با هدف کاهش فرصت	نظارت طبیعی به‌عنوان نتیجه معمولی	بر کاهش فعالیت از طریق حرکت و در نتیجه، کاهش سطح

جرم (CPTED)	دسترسی به هدف جنایت؛ استفاده از محصوریت های کالبدی که موجب افزایش قوت قلب و حس مالکیت ساکنین می گردد	استفاده از مایملک	فعالیت تأکید دارد
بیل هیلر	فضاهایی که با سایر فضاها یکپارچه شده اند، پیاده ها را تشویق به حرکت و تماشا در آن فضاها می کنند	نظارت از طریق مردمی که در فضا حرکت می کنند، تأمین می گردد	از طریق یکپارچه سازی فضا و مسیرهای حرکتی می توان فضاهای به هم پیوسته ای را تعریف کرد که ایمن به نظر می رسند

Source: Carmona, 2003, P. 121

بر اساس بررسی های صورت گرفته در چارچوب نظری پژوهش و نیز مطالعات اسنادی محقق پیرامون موضوع، سعی گردیده است تا با توجه به نظر محققان مختلف، در راستای بومی سازی متغیرها و به کارگیری آن ها در محدوده مورد مطالعه، به تلفیقی از متغیرهای تعریف شده بر اساس دیدگاه های جدول و سطور فوق مبادرت گردد. بر این اساس و در راستای کاربردی گشتن این پژوهش و نتایج حاصل از آن در بحث برنامه ریزی برای شهر، از متغیرها و معیارهای کالبدی استفاده شده است که عبارت اند از: میزان روشنایی، فضای کالبدی و پاکیزگی محیطی محله. به دلیل بی توجهی به مسئله جرائم شهری و در پی آن افزایش بیش از حد وقوع جرم خیزی در شمال کشور، اقدام به بررسی، تجزیه و تحلیل و خطرات ناشی از وقوع این مسئله با متغیرهای نام برده پرداخته شده است. از سویی دیگر بیشتر تحقیقات قبلی انجام شده در مناطق مرکزی ایران صورت گرفته است، اما به دلیل تغییرات فرهنگ شهرنشینی و مؤلفه های کالبدی در فضاهای شهری، شهر بابل سر با توجه به توریستی بودن وجود افراد غیربومی در محلات آن، بیش از پیش در خطر وقوع این حوادث ناگهانی قرار گرفته است. با توجه به سابقه جرائم شهری و پیشگیری از آن به بررسی و کاهش خطرات ناشی از آن پرداخته شده است تا از خسارات مالی، جانی و اقتصادی آتی در شهر کاسته شود.

مایز (۲۰۰۱) در رساله دکتری در دانشگاه تگزاس با عنوان ساختارهای معین در ترس از جرائم به بررسی این موضوع پرداخته است. نتایج این تحقیق نشان از تأثیرگذار بودن فضاهای شهری بر روی جرائم و احساس امنیت شهروندان دارد.

اکاه (۲۰۰۰)، در شهر واشینگتن در مطالعه ای با عنوان ترس از جرم در بین جمعیت مهاجرین در فضای متروپلیتن واشینگتن به بررسی این موضوع پرداخته است که نتایج این مطالعه نیز نشان دهنده تأثیرگذاری فضاهای شهری بر روی امنیت شهروندان می باشد.

مدیری (۱۳۸۵) در مقاله خود با نام «جرم، خشونت و احساس امنیت در فضاهای عمومی شهر»، به این نتیجه می رسد که جرم بیش از خشونت می تواند مانع از حضور مردم در فضاهای شهری و کاهش احساس امنیت گردد.

مباحث مربوط به جغرافیای بزهکاری و مطالعه رابطه جرم و مکان در کشور تنها طی چند سال اخیر مورد توجه پژوهشگران کشور قرار گرفته است و بررسی ها نشان از افزایش توجه به موضوع فوق در متون علمی کشور دارد که از مهم ترین پژوهش های انجام شده در این زمینه می توان به «بررسی جغرافیایی جرم و جنایت در مناطق شهر تهران» (کلانتری، ۱۳۸۰)، «پیشگیری از جرم از طریق برنامه ریزی کاربری اراضی، مورد مطالعه سرقت در شهر زنجان» (عبداللهی حقی، ۱۳۸۳)، «شناسایی و تحلیل کانون های جرم خیز شهر زنجان با استفاده از سیستم اطلاعات جغرافیایی» (توکلی، ۱۳۸۴).

از مقالات تدوین شده در این رابطه نیز می‌توان به "شهرنشینی و روند افزایش جرائم"، مهدی دهقان، "نقش فضاهای بی‌دفاع شهری در کاهش حس امنیت در شهروندان"، بیتا تختی، "نقش طراحی شهر در ایجاد فضاهای قابل دفاع" و "استفاده از اصول جلوگیری از جرائم از طریق طراحی محیطی و بررسی اجمالی آن در ایران"، نسیم ایرانمنش، "نقش طراحی صحیح واحدهای مسکونی در پیشگیری از وقوع جرم"، مهدی نجابتی، "جرم، خشونت و احساس امنیت در فضاهای عمومی شهر"، آتوسا مدیری، "پیشگیری وضعی از جرم"، رضا پرویزی، "جرائم شهری و لزوم سیاست‌گذاری پیشگیرانه"، محمد مسگرانی طرقله اشاره کرد.

به‌طورکلی نتایج یافته‌های فوق کمک مؤثری به پیشگیری از جرم از طریق طراحی مناسب‌تر محیط‌های شهری همراه با امکان کنترل اجتماعی و نظارت غیررسمی شهر، شناسایی کانون‌های شکل‌دهنده فرهنگ جرم‌زا و کنترل بهتر این مکان‌ها و تغییر آن‌ها به فضاهای مقاوم در برابر جرم نموده است.

جدول ۲- شاخص‌های مورد مطالعه به منظور کاهش شکل‌گیری فرهنگ جرم‌زا

مؤلفه‌ها	گویه‌ها
پاکیزگی محیط محله	وجود سطل زباله در سطح معابر
	رضایتمندی از جمع‌آوری به‌موقع زباله
میزان روشنایی	میزان روشنایی در تشخیص فرد در فاصله ۲۵ متری در شب
	عدم وجود لامپ‌های سوخته و شکسته
فضای کالبدی	عدم شکاف برای مخفی شدن
	عدم عناصر غیرکالبدی مانع دید
	عدم نظارت غیررسمی از بالکن و پنجره
	خوانا بودن فرم کالبدی فضای محله

Source: Research Findings, 2016

برای تعیین محله‌های مرفه و غیر مرفه ۴۰ عدد پرسشنامه در تیر ماه ۹۵ بین کارشناسان شهرداری، استادان و دانشجویان دانشگاه مازندران و ساکنین شهر بابلسر توزیع گردید. میانگین امتیازی بر طبق امتیاز ۱ تا ۵ به‌صورت پنج رتبه‌ای برای تعیین محلات تعیین گردید در نتیجه دو محله نخست‌وزیری و شهرک دانشگاه به‌عنوان نماینده محلات مرفه و دو محله بی بی سرروزه و قائمیه (میخ کلا) به‌عنوان نماینده محلات غیرمرفه شهر بابلسر از میان ۲۲ محله موجود بابلسر، برای نمونه موردی این تحقیق انتخاب شده‌اند. در این تحقیق برای برآورد حجم جامعه مورد مطالعه از فرمول کوکران استفاده شده است که در نتیجه حجم آماری ما عدد ۲۷۰ را نشان داد. سپس پرسشنامه تنظیم شده تحقیق بین ۲۷۰ نفر از ساکنین محله‌های مرفه (۱۱۰) و محله‌های غیر مرفه (۱۶۰) تقسیم و پس از جمع‌آوری، نتایج بدست آمده با استفاده از نرم‌افزار SPSS مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت و ضریب آلفای کرونباخ آن محاسبه که برابر با ۰.۸۸۱ برآورد شده است، که کمیت این عدد نشان‌دهنده پایایی مطلوب پرسشنامه تلقی می‌گردد. برای جمع‌آوری اطلاعات از روش‌های میدانی به‌منظور مطالعه و شناخت وضعیت ساختارهای کالبدی محیطی محله‌های مرفه و غیر مرفه، از روش فیش‌برداری به جهت تهیه، ثبت و ضبط اطلاعات و مطالعات پژوهش، از کتاب و پایان‌نامه و مجلات علمی و پژوهشی و از روش پرسشنامه‌ای به‌منظور کسب اطلاعات لازم از وضعیت مؤلفه‌های کالبدی- محیطی و اجتماعی در محله‌های مرفه و غیر مرفه شهر استفاده شده است. در این پژوهش برای ارزیابی کیفیت مؤلفه‌ها و گویه‌های متعلق به هر یک از مؤلفه‌های سه‌گانه تحقیق ابتدا از تکنیک و آزمون t تک نمونه‌ای

استفاده شده است و در نهایت به بررسی همبستگی میان معیار کاهش شکل‌گیری فرهنگ جرم‌زا، مؤلفه‌ها و گویه‌ها از طریق آزمون پیرسون همراه با جدول و نمودار ارائه شده است.

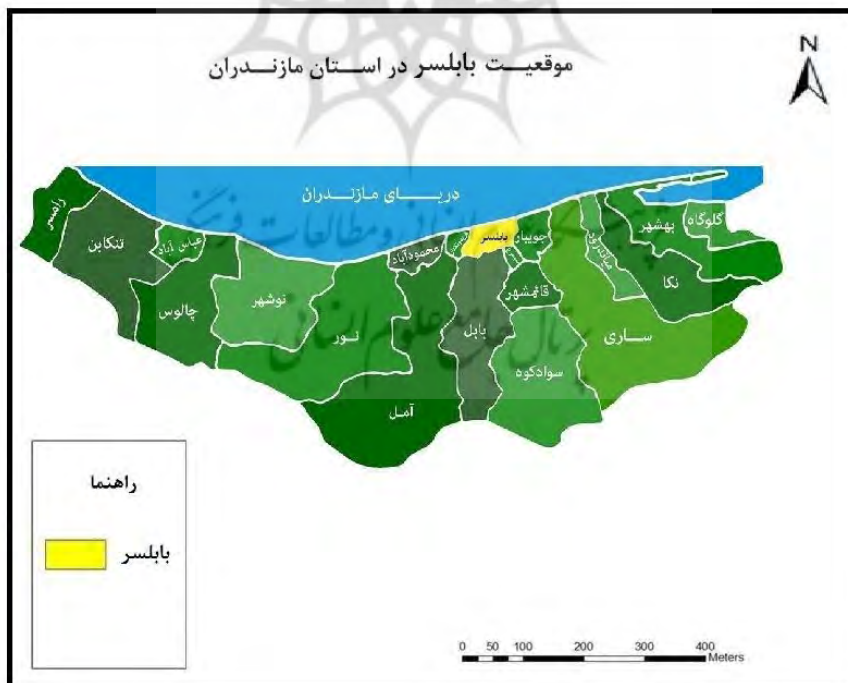
معرفی محدوده مورد مطالعه

شهرستان بابلسر در مختصات جغرافیایی ۵۲ درجه و ۳۷ دقیقه و ۵۰ ثانیه الی ۵۲ درجه و ۴۰ دقیقه و ۵۰ ثانیه طول شرقی و ۳۶ درجه و ۴۰ دقیقه و ۱۵ ثانیه الی ۳۶ درجه و ۴۳ دقیقه عرض شمالی قرار دارد. این شهر در کرانه‌های جنوبی دریای خزر و حد انتهایی دلتای رودخانه بابلرود قرار دارد ویژگی‌های جغرافیایی آن متأثر از این دو عامل طبیعی یعنی دریای خزر و رودخانه بابلرود و شرایط شکل‌زایی جلگه ساحلی دریای خزر می‌باشد. حد شمالی بابلسر تا خط ساحل دریا ۲۷- متر و حد جنوبی آن ۱۵- متر ارتفاع دارد. بنابراین شیب عمومی گستره شهر از جنوب به شمال و کمتر از ۰.۵ درصد و یا ۵ در هزار می‌باشد. جمعیت شهر بابلسر در طی زمان همواره افزایش یافته است. با این تفاوت که شدت افزایش آن در سال‌های اخیر سیر نزولی را نشان می‌دهد. جدول شماره ۳ شمار و نرخ رشد جمعیت شهر بابلسر را در سال‌های ۱۳۹۰-۱۳۴۵ نشان می‌دهد.

جدول ۳- تحولات جمعیتی بابلسر ۱۳۳۵-۱۳۹۰

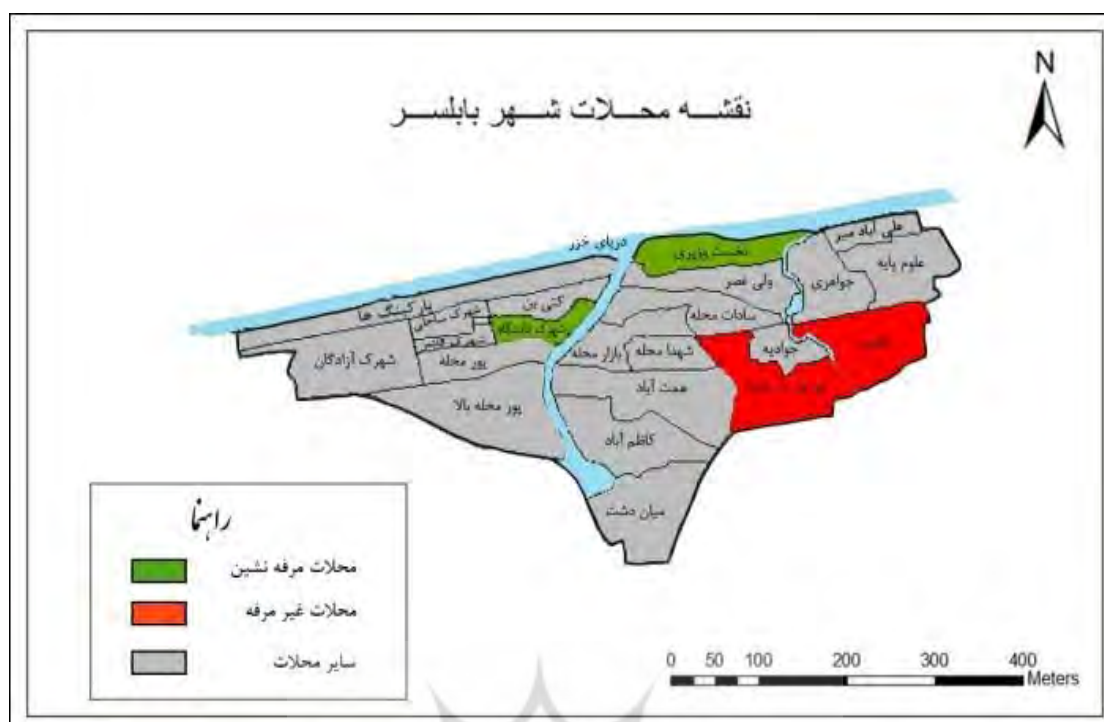
سال	شمار (نفر)	نرخ رشد (درصد)	بعد خانوار
1345	12016	1.87	-
1355	18810	1.56	-
1365	30200	1.60	-
1375	40630	1.34	4.42
1385	50032	1.23	3.56
1390	61984	0.04	3.3

Source: The master plan Babolsar, 2016



نقشه ۱- موقعیت شهرستان بابلسر در استان مازندران

Source: Author, 2016



نقشه ۲- تعیین محللات مرفه و غیرمرفه در شهر بابلسر Source: Author, 2016

جدول ۴- جمعیت و مشخصات در محللات مرفه و غیر مرفه در شهر بابلسر

خانوار	تراکم ساختمانی	تراکم خالص	تراکم ناخالص جمعیتی (نفر در هکتار)	جمعیت (نفر)	نام محله	نوع محللات
۱۳۳	۱۰.۷	۶۲.۶	۶.۱	۴۹۹	نخست‌وزیری	محللات مرفه
۳۸۰	۳۶.۸	۶۱.۷	۳۰.۴.۷	۱۴۱۵	شهرک دانشگاه	محللات مرفه
۱۰۲۰	۱۵.۲	۱۲۵.۵	۲۶.۷	۳۷۸۳	بی بی سرروزه	محللات غیرمرفه
۵۹۸	۱۱.۷	۱۱۰.۱	۱۴.۵	۲۲۲۰	قائمیه (میخ کلا)	محللات غیرمرفه

Source: Research Findings, 2016

یافته‌های تحقیق

شهر بابلسر دارای ۲۲ محله می‌باشد. برای تعیین محله‌های مرفه و غیر مرفه ۴۰ عدد پرسشنامه بین کارشناسان شهرداری، استادان و دانشجویان دانشگاه مازندران و ساکنین شهر بابلسر توزیع گردید میانگین امتیاز بر طبق امتیاز ۱ تا ۵ به صورت پنج رتبه‌ای برای تعیین محللات تعیین گردید در نتیجه دو محله نخست‌وزیری و شهرک دانشگاه به ترتیب با میانگین امتیازی (۳/۲۰)، (۲/۱۵) به عنوان نماینده محللات مرفه شهر بابلسر و دو محله بی بی سرروزه و قائمیه (میخ کلا) به ترتیب با میانگین امتیازی (۳/۲۵)، (۲/۱۵) به عنوان نماینده محللات غیرمرفه شهر از میان ۲۲ محله موجود بابلسر برای نمونه موردی این تحقیق انتخاب شده‌اند.

جدول ۵- محللات مرفه و غیر مرفه در شهر بابلسر

میانگین امتیازی	نام محله	محللات
۳.۲۰	نخست‌وزیری	محللات مرفه
۲.۱۵	شهرک دانشگاه	محللات مرفه
۳.۲۵	بی بی سرروزه	محللات غیرمرفه
۲.۱۵	قائمیه (میخ کلا)	محللات غیرمرفه

Source: Research Findings, 2016

همبستگی بین مؤلفه‌ها و معیارها

مؤلفه پاکیزگی محیط محله و کاهش شکل‌گیری فرهنگ جرم‌زا

ضریب همبستگی پیرسون بین پاکیزگی محیط محله و کاهش شکل‌گیری فرهنگ جرم‌زا در جدول ۶ نشان داده شده است.

جدول ۶- رابطه بین پاکیزگی محله و کاهش شکل‌گیری فرهنگ جرم‌زا

ضریب همبستگی بین مؤلفه پاکیزگی محیط محله و کاهش شکل‌گیری فرهنگ جرم‌زا در محله مرفه		
مؤلفه پاکیزگی محیط محله	کاهش شکل‌گیری فرهنگ جرم‌زا	
1	652**	Pearson Correlation
	000.	Sig. (2-tailed)
110	110	N
**. Correlation is significant at the 0.01 level (2-tailed).		
ضریب همبستگی بین مؤلفه پاکیزگی محیط محله و کاهش شکل‌گیری فرهنگ جرم‌زا در محله غیر مرفه		
مؤلفه پاکیزگی محیط محله	کاهش شکل‌گیری فرهنگ جرم‌زا	
1	.637**	Pearson Correlation
	.000	Sig. (2-tailed)
601	160	N
**. Correlation is significant at the 0.01 level (2-tailed).		

Source: Research Findings, 2016

ضریب همبستگی پیرسون بین این دو متغیر در دو محله مرفه و غیر مرفه برابر ۰/۶۵۲ و ۰/۶۳۷ و سطح معناداری رابطه در ناحیه آلفای ۰/۰۵ در هر دو محله برابر (۰/۰۰۰) می‌باشد. از آنجا که خطای محاسبه شده کمتر از ۰/۰۱ است. با ۹۹ درصد اطمینان می‌توان گفت که بین مؤلفه پاکیزگی محیط محله‌ای و کاهش شکل‌گیری فرهنگ جرم‌زا رابطه معنادار و مستقیم وجود دارد، و فرض H_0 مبنی بر نبودن رابطه بین این دو متغیر به نفع H_1 رد می‌شود. به عبارت دیگر هرچه مؤلفه پاکیزگی محیط محله‌ای در دو محله مورد مطالعه ارتقاء یابد به همان نسبت کاهش شکل‌گیری فرهنگ جرم‌زای بیشتری حاصل می‌شود.

مؤلفه میزان روشنایی و کاهش شکل‌گیری فرهنگ جرم‌زا

ضریب همبستگی پیرسون بین میزان روشنایی و کاهش شکل‌گیری فرهنگ جرم‌زا در جدول ۷ نشان داده شده است.

جدول ۷- رابطه بین میزان روشنایی و کاهش شکل‌گیری فرهنگ جرم‌زا

ضریب همبستگی بین مؤلفه میزان روشنایی و کاهش شکل‌گیری فرهنگ جرم‌زا در محله مرفه		
مؤلفه میزان روشنایی	کاهش شکل‌گیری فرهنگ جرم‌زا	
1	679**	Pearson Correlation
	000.	Sig. (2-tailed)
110	110	N
**. Correlation is significant at the 0.01 level (2-tailed).		
ضریب همبستگی بین مؤلفه میزان روشنایی و کاهش شکل‌گیری فرهنگ جرم‌زا در محله غیر مرفه		
مؤلفه میزان روشنایی	کاهش شکل‌گیری فرهنگ جرم‌زا	
1	.672**	Pearson Correlation
	.000	Sig. (2-tailed)
601	160	N
**. Correlation is significant at the 0.01 level (2-tailed).		

Source: Research Findings, 2016

ضریب همبستگی پیرسون بین این دو متغیر در دو محله مرفه و غیرمرفه به ترتیب برابر با ۰/۶۷۹ و ۰/۶۷۲ و سطح معناداری رابطه در ناحیه آلفای ۰/۰۵ در هر دو محله برابر (۰/۰۰۰) می‌باشد. از آنجا که خطای محاسبه شده کمتر از ۰/۰۱ است. با ۹۹ درصد اطمینان می‌توان گفت که بین مؤلفه میزان روشنائی و کاهش شکل‌گیری فرهنگ جرم‌زا رابطه معنادار و مستقیم وجود دارد، و فرض H_0 مبنی بر نبودن رابطه بین این دو متغیر به نفع H_1 رد می‌شود. به عبارت دیگر هرچه مؤلفه میزان روشنائی در دو محله مورد مطالعه ارتقاء یابد به همان نسبت کاهش شکل‌گیری فرهنگ جرم‌زای بیشتری حاصل می‌شود.

مؤلفه فضای کالبدی و کاهش شکل‌گیری فرهنگ جرم‌زا

در جدول شماره ۸ ضریب همبستگی پیرسون بین دو مؤلفه فضای کالبدی و کاهش شکل‌گیری فرهنگ جرم‌زا آورده شده است.

جدول ۸- رابطه بین فضای کالبدی و کاهش شکل‌گیری فرهنگ جرم‌زا

ضریب همبستگی بین مؤلفه فضای کالبدی و کاهش شکل‌گیری فرهنگ جرم‌زا در محله مرفه		
مؤلفه فضای کالبدی	کاهش شکل‌گیری فرهنگ جرم‌زا	
1	616**	Pearson Correlation
	000	Sig. (2-tailed)
110	110	N
**. Correlation is significant at the 0.01 level (2-tailed).		
ضریب همبستگی بین مؤلفه فضای کالبدی و کاهش شکل‌گیری فرهنگ جرم‌زا در محله غیر مرفه		
مؤلفه فضای کالبدی	کاهش شکل‌گیری فرهنگ جرم‌زا	
1	567**	Pearson Correlation
	000	Sig. (2-tailed)
601	160	N

Source: Research Findings, 2016

ضریب همبستگی پیرسون بین این دو متغیر در دو محله مرفه و غیر مرفه به ترتیب برابر با ۰/۶۱۶ و ۰/۵۶۷ و سطح معناداری رابطه در ناحیه آلفای ۰/۰۵ در هر دو محله برابر (۰/۰۰۰) می‌باشد. از آنجا که خطای محاسبه شده کمتر از ۰/۰۱ است. با ۹۹ درصد اطمینان می‌توان گفت که بین مؤلفه فضای کالبدی و کاهش شکل‌گیری فرهنگ جرم‌زا رابطه معنادار و مستقیم وجود دارد، و فرض H_0 مبنی بر نبودن رابطه بین این دو متغیر به نفع H_1 رد می‌شود. به عبارت دیگر هر چه مؤلفه فضای کالبدی در دو محله مورد مطالعه ارتقاء یابد به همان نسبت کاهش شکل‌گیری فرهنگ جرم‌زای بیشتری حاصل می‌شود.

ارزیابی کیفیت معیارها با استفاده از آزمون t تک نمونه‌ای

نتایج آزمون t تک نمونه‌ای در مورد معیارهای شکل‌گیری کاهش فرهنگ جرم‌زا نشان‌دهنده این است که: در محله مرفه ۳ مؤلفه شکل‌گیری کاهش فرهنگ جرم‌زا میانگین‌های محاسبه شده در معیار پاکیزگی محیط محله، میزان روشنائی و فضای کالبدی به ترتیب با مقادیر (۳/۳۷)، (۳/۲۶) و (۳/۲۷) بالاتر از میانه نظری خود قرار دارند، همچنین سطح معناداری محاسبه شده در ناحیه آلفا برابر با (۰/۰۰۰) می‌باشد، بنابراین می‌توان ادعا نمود که وضعیت این معیارها در محله موردنظر در سطح مناسبی قرار دارد. اما در محله غیر مرفه اوضاع کاملاً برعکس محله مرفه می‌باشد. از سه مؤلفه شکل‌گیری کاهش فرهنگ جرم‌زا در محله مذکور پاکیزگی محیط محله، میزان روشنائی و فضای کالبدی به ترتیب با میانگین (۱/۷۷)، (۲/۱۸) و (۲/۵۱) از میانه نظری پایین‌تر بوده است.

در ادامه می‌توان گفت که با استفاده از این تحلیل‌ها در محلات مرفه و غیرمرفه شهر بابلسر، با رعایت پاکیزگی در محلات، کنترل چراغ‌های روشنایی در کوچه‌ها و معابر، از بین بردن فضاهای خالی و ساماندهی و کنترل دید از بالکن‌ها و پنجره‌ها، می‌توانیم تا حد زیادی از میزان جنایت و جرم خیزی در این محلات جلوگیری کرد. البته میزان این گویه‌ها و مؤلفه‌ها در محلات غیرمرفه بسیار پایین بوده که با فرهنگ‌سازی خانوارها و آموزش‌های لازم می‌توان این عوامل را تا میزان کاهش و تقلیل میزان جرم خیزی در محلات غیرمرفه، را ارتقا داده و به سلامت محیط زندگی دست یابیم.

معیارهایی که برای بررسی میزان جرم در دو محله مرفه و غیر مرفه شهرستان بابلسر در نظر گرفته شده است شامل: پاکیزگی محیط محله، میزان روشنایی و فضای کالبدی می‌باشد. در زیر به تحلیل این سه معیار می‌پردازیم. جامعه آماری پژوهش شامل، سرپرست خانوارهای ساکن در سطح دو محله نخست‌وزیری و شهرک دانشگاه به‌عنوان نماینده محلات مرفه (۱۱۰) و دو محله بی بی سرروزه و قائمیه (میخ کلا) به‌عنوان نماینده محلات غیرمرفه (۱۶۰) به نمایندگی کل محلات شهر بوده است. سؤالات و گزاره‌های پرسشنامه با توجه به تعاریف نظری و عملیاتی متغیرها و صاحب‌نظران مربوطه طراحی گردیده و از روایی مطلوبی برخوردار می‌باشد. ضریب آلفای کرونباخ پرسشنامه نیز برابر با ۸۸۱.۰ برآورد شده است، که کمیت این عدد نشان‌دهنده پایایی مطلوب پرسشنامه تلقی می‌گردد.

برای تعیین معیار افتراقات فضایی شهر بابلسر، سه مؤلفه بکار گرفته شد که عبارت‌اند از: پاکیزگی محیط محله، میزان روشنایی، فضای کالبدی. برای آزمون این فرضیه در شهر بابلسر ابتدا از طریق آزمون T-test، به تعیین و تشخیص وضعیت مطلوب مؤلفه‌ها پرداخته شده است.

- پاکیزگی محیط محله

دو گویه وجود سطل زباله در سطح معابر و رضایتمندی از جمع‌آوری به موقع زباله تبیین‌کننده پاکیزگی محیط محله می‌باشند. که هر دو گویه در محله مرفه به ترتیب (۳/۳۱) و (۳/۴۵) بالاتر از حد متوسط و در محله غیر مرفه به ترتیب (۱/۵۹) و (۱/۹۵) پایین‌تر از مقدار متوسط می‌باشند.

جدول ۹- مشخصات آماری گویه‌های مربوط به پاکیزگی محیط محله

Std. Error	Std. Deviation	Mean	N	نوع محله	گویه‌های پاکیزگی محیط محله
096.	1.011	3.37	110	مرفه	پاکیزگی محیط محله مرفه
066.	840.	1.77	160	غیر مرفه	غیر مرفه
115.	1.210	3.31	110	مرفه	وجود سطل زباله مرفه
077.	980.	1.59	160	غیر مرفه	در سطح معابر غیر مرفه
109.	1.138	3.45	110	مرفه	رضایتمندی از مرفه
078.	983.	1.95	160	غیر مرفه	جمع‌آوری به‌موقع غیر مرفه زباله

- میزان روشنایی

هر دو گویه تشکیل دهنده میزان روشنایی در محله غیرمرفه، میزان روشنایی در تشخیص فرد در فاصله ۲۵ متری در شب (۲/۰۹) و عدم وجود لامپ‌های سوخته و شکسته (۲/۲۸) پایین‌تر از مقدار میانگین بوده‌اند، درحالی‌که در محله مرفه گویه عدم وجود لامپ‌های سوخته و شکسته با (۳/۶۳) بالاتر از حد متوسط و میزان روشنایی در تشخیص فرد در فاصله ۲۵ متری در شب با (۲/۹۱) کمتر از حد متوسط می‌باشند.

جدول ۱۰- مشخصات آماری گویه‌های مربوط به میزان روشنایی

Std. Mean	Error Std. Deviation	Mean	N	نوع محله	گویه‌های میزان روشنایی
098.	1.035	3.26	110	مرفه	میزان روشنایی
072.	915.	2.18	160	غیر مرفه	میزان روشنایی در مرفه
113.	1.185	2.91	110	مرفه	تشخیص فرد در غیر مرفه
082.	1.042	2.09	160	غیر مرفه	فاصله ۲۵ متری در شب
109.	1.148	3.63	110	مرفه	عدم وجود مرفه
090.	1.132	2.28	160	غیر مرفه	لامپ‌های سوخته و شکسته

Source: Research Findings, 2016

- فضای کالبدی

از میان چهار گویه ای که نشان‌دهنده وضعیت فضای کالبدی در محله می‌باشند، هر چهار گویه عدم شکاف برای مخفی شدن (۳.۳۱)، عدم عناصر غیر کالبدی مانع دید (۳.۸۶)، عدم نظارت غیررسمی از بالکن و پنجره (۳.۰۲) و خوانا بودن فرم کالبدی فضای محله (۳.۲۰)، بالاتر مقدار متوسط در محله مرفه قرار دارند، درحالی‌که در محله غیرمرفه به جز گویه عدم عناصر غیر کالبدی مانع دید (۳.۰۹) بقیه گویه‌ها پایین‌تر از حد متوسط قرار دارند.

جدول ۱۱- مشخصات آماری گویه‌های مربوط به مؤلفه فضای کالبدی

Std. Error Mean	Std. Deviation	Mean	N	نوع محله	گویه‌های فضای کالبدی
052.	548.	3.27	110	مرفه	فضای کالبدی
034.	432.	2.51	160	غیر مرفه	عدم شکاف برای مخفی شدن
118.	1.240	3.31	110	مرفه	عدم عناصر غیر کالبدی مانع دید
079.	994.	2.26	160	غیر مرفه	عدم نظارت غیررسمی از بالکن و پنجره
105.	1.104	3.86	110	مرفه	خوانا بودن فرم کالبدی فضای محله
105.	1.331	3.09	160	غیر مرفه	
124.	1.299	3.02	110	مرفه	
073.	923.	2.80	160	غیر مرفه	
108.	1.132	3.20	110	مرفه	
068.	857.	2.41	160	غیر مرفه	

Source: Research Findings, 2016

نظر به این که مقاله موجود به بررسی وضع موجود از نقطه نظر ارتکاب جرم و جنایت در شهر بابلسر و جلوگیری از فرهنگ جرم‌زا پرداخته است و با بررسی داده‌های جمع‌آوری شده از نمونه موردی، طبق تحلیل این نتیجه حاصل

شده که میزان جرم خیزی در محلات شهر بابلسر به معیارهای کالبدی مورد پژوهش بستگی داشته که تبلور این نظریه از طریق تأمین میزان روشنایی و فضای کالبدی و پاکیزگی محیط محلات در جامعه شهری بابلسر شدنی و ممکن می‌باشد و با توجه به این که این پژوهش در دو سطح طبقاتی مرفه و غیرمرفه جامعه تحقیق، مورد تحلیل و بررسی قرار گرفت، راهکارهای متفاوتی نیز به کار برده می‌شود که از نظایر آن‌ها می‌توان به فرهنگ‌سازی و تقویت زمینه‌های فرهنگی ساکنان محلات اشاره نمود.

نتیجه‌گیری

امروزه با گسترش شهرها و افزایش جمعیت، مشکلات زیادی گریبان گیر شهرنشینان شده است. یکی از این مشکلات افزایش میزان جرم و جنایت در محله‌های شهری و به‌ویژه محلاتی است که از نظر مؤلفه‌های کالبدی مورد مطالعه در این پژوهش از جمله میزان روشنایی، پاکیزگی محیط محله و مؤلفه فضای کالبدی در سطح پایینی قرار گرفته و مکانی امن برای ارتکاب جرم و جنایت فراهم آورده‌اند. مبارزه با جرم و کج‌روی‌های اجتماعی منوط به شناخت عوامل جرم‌زا است که می‌توان از بروز جرائم پیشگیری کرد یا حداقل از میزان آن کاست. تجربه‌های گذشته و بررسی‌های جهانی نشان می‌دهد که صرف تعقیب کیفری و مجازات مجرمان برای مبارزه با تبهکاری اجتماعی کافی نیست و تا زمانی که عوامل جرم‌زا در جامعه موجود باشد، مبارزه با جرم به‌عنوان معلول فایده‌ای ندارد. از طرفی با گسترش شهرنشینی و افزایش رفتارهای ناهنجار شهری به‌ویژه جرائم، موضوع پیشگیری محیطی جرائم، از طریق برنامه‌ریزی و طراحی محیطی اهمیت زیادی یافته است. علوم محیطی و شهرسازی با شناخت ویژگی‌های مؤثر مکانی و شرایط محیطی، در کنار سایر اقدامات دیگر می‌توانند از وقوع رفتارهای ناهنجار، جرم و جنایت در محله‌های شهری پیشگیری نمایند. به نحوی که فرد مجرم فرصت کمتری برای اجرای رفتارهای مجرمانه در مکان‌ها و فضاهای شهری پیدا کند.

بنابراین سه عامل مهم انسان، مکان و زمان در شکل‌گیری اعمال مجرمانه مؤثر می‌باشند، به طوری که تفاوت در مکان، زمان و خصوصیات رفتاری موجب می‌شود تا نوع و میزان جرم در سطح شهر الگوهای فضایی متفاوتی را به خود بگیرد. پس با تغییر ساختار فضا اعم از نوع مهندسی و طراحی ساختمان‌ها و شهرسازی، نحوه نورپردازی معابر، وجود مراکز تفریحی، همچنین حضور و نظارت پلیس در مقاطع زمانی خاص بر یک مکان ویژه می‌توان از وقوع جرم پیشگیری نمود. نکته مهم‌تر این که در برخورد با جرم نگرش صرفاً تهدید محور، چندان جایگاهی ندارد و در عوض صاحب‌نظران راهکارهای جامعه‌گرا و مسئله‌گرا مبتنی بر شناسایی علل و عوامل ارتکاب جرم در بعد مسائل کالبدی و محیطی، تأکید می‌نمایند.

در شناسایی محلات مرفه و غیرمرفه بابلسر ۴۰ عدد پرسشنامه به همین منظور بین کارشناسان شهرداری، استادان و دانشجویان دانشگاه مازندران و ساکنین شهر بابلسر توزیع گردید که میانگین امتیازی برای هرکدام از محلات ۲۲ گانه شهر بابلسر در نظر گرفته شد. طبق بررسی‌های انجام شده، مهم‌ترین نتایج پژوهش با موضوع تحلیل معیارهای کالبدی و تأثیر آن در شکل‌گیری فرهنگ جرم‌زا در محله‌های مرفه و غیر مرفه شهر بابلسر به شرح زیر می‌باشد:

پس از بررسی شاخص‌ها با توجه به اهداف فوق و فرضیه‌های تحقیق نتایجی که حاصل شد به طور خلاصه به این قرارند که در محلات مرفه و غیر مرفه بابلسر به‌طورکلی وضعیت مؤلفه‌های کالبدی - محیطی و اجتماعی در

وضعیت نامطلوبی قرار داشته و با کیفیت مد نظر فاصله بسیاری دارد. میانگین امتیازی بر طبق امتیاز ۱ تا ۵ به صورت پنج رتبه‌ای برای تعیین محلات تعیین گردید در نتیجه دو محله نخست‌وزیری و شهرک دانشگاه به ترتیب با میانگین امتیازی (۳/۲۰)، (۲/۱۵) به عنوان نماینده محلات مرفه شهر بابلسر و دو محله بی بی سرروزه و قائمیه (میخ کلا) به ترتیب با میانگین امتیازی (۳/۲۵)، (۲/۱۵) به عنوان نماینده محلات غیرمرفه شهر از میان ۲۲ محله موجود بابلسر برای نمونه موردی این تحقیق انتخاب شده‌اند. بعد از آن به شناسایی مؤلفه‌های مورد پژوهش پرداخته شده که از میان نظریات اندیشمندان و نظریه‌پردازان در رابطه با جرم خیزی و جرائم شهری، سه مؤلفه فضای کالبدی، میزان روشنایی، پاکیزگی محیط به عنوان مؤلفه‌های مورد پژوهش شناخته شده و این مؤلفه‌ها را در محلات شهر بابلسر مورد بررسی قرار داده شده است.

همچنین در محله‌های مرفه بابلسر از میان سه مؤلفه‌های کالبدی - محیطی میزان روشنایی (۰/۶۷۹)، پاکیزگی محیط محله‌ای (۰/۶۵۲) و فضای کالبدی (۰/۶۱۶) دارای ضریب همبستگی بالایی با شکل‌گیری فرهنگ جرم‌زا برخوردار بودند. که نتایج این آمار در محله‌های مرفه بابلسر نشان‌دهنده این است که معیارهای کالبدی بر روی شکل‌گیری فرهنگ جرم‌زا مؤثر می‌باشد. بدین معنا که هر چه میزان کیفیت مؤلفه‌های فضایی در محله مذکور بیشتر شود، میزان شکل‌گیری فرهنگ جرم‌زا و به تبع آن وقوع جرم کاهش می‌یابد. درحالی‌که در محله‌های غیر مرفه بابلسر از میان سه مؤلفه‌های کالبدی - محیطی، بالاترین ضریب همبستگی با شکل‌گیری فرهنگ جرم‌زا را به ترتیب مؤلفه‌های میزان روشنایی (۰/۶۷۲)، پاکیزگی محیط محله‌ای (۰/۶۳۷) و فضای کالبدی (۰/۵۶۷) به خود اختصاص داده‌اند. نکته جالب در محله‌های غیر مرفه در اینجاست که ساکنین این محله مؤلفه‌های میزان روشنایی و پاکیزگی محیط محله‌ای را مهم‌تر از بقیه مؤلفه‌ها در پیدایش و شکل‌گیری فرهنگ جرم‌زا می‌دانند که این خود مبین این است که اهالی این محله بر این معتقدند که از یک طرف هر چه محله آن‌ها از نظر روشنایی ضعیف و تاریک باشد و از سوی دیگر کثیف و ناهنجار باشد احتمال شکل‌گیری فرهنگ ارتکاب جرم وقوع جرم در محله بیشتر می‌شود.

همچنین مشخص شد که میان مؤلفه‌های مورد بررسی و کاهش شکل‌گیری فرهنگ جرم خیزی رابطه‌ای معنی‌دار وجود دارد به صورتی که هر چه مؤلفه فضای کالبدی و میزان روشنایی و پاکیزگی محیط در محلات مرفه و غیرمرفه ارتقاء یابد به همان نسبت کاهش شکل‌گیری فرهنگ جرم‌زای بیشتری حاصل می‌شود.

از طرفی دیگر طبق نظریات مطرح شده در قسمت‌های پیشین، مطابق با دستاوردهای حاصل از تحلیل مؤلفه‌های فضای کالبدی و میزان روشنایی و پاکیزگی در محلات مرفه و غیرمرفه با استفاده از تحلیل T-test محقق گردیده است که نتیجه این تحقیق، نظرات ویلسون، کلینگ، پارک، شاو، مک کی و جنین را در مورد مؤلفه پاکیزگی محیط محله‌ای در هر دو محله مرفه (۰/۶۵۲) و غیر مرفه (۰/۶۳۷) تأیید کرده و از طرفی دیگر نتایج این تحقیق در مورد مؤلفه میزان روشنایی، از نظرات وکر ویزمن در هر دو محله مرفه (۰/۶۷۹) و غیرمرفه (۰/۶۷۲) حمایت می‌کند و در نهایت در رابطه با مؤلفه فضای کالبدی می‌توان گفت که نتیجه تحقیق درباره مؤلفه فضای کالبدی، نظرات نیومن، الیزابت وود و آنجل را در هر دو محله مرفه (۰/۶۱۶) و غیر مرفه (۰/۵۶۷) تأیید می‌کند.

همچنین با استفاده از روش درجه‌بندی و اولویت‌بندی گویه‌های مورد پژوهش در رابطه با مؤلفه‌های سه گانه فضای کالبدی، میزان روشنایی و پاکیزگی محیط محله، می‌توان گفت که گویه‌های زیر به ترتیب اولویت باید در جهت کاهش شکل‌گیری فرهنگ جرم‌زا بیشتر مورد ملاحظه قرار گیرند:

- ۱- وجود سطل زباله در سطح معابر
- ۲- رضایتمندی از جمع‌آوری به‌موقع زباله
- ۳- میزان روشنایی در تشخیص فرد در فاصله ۲۵ متری در شب
- ۴- عدم شکاف برای مخفی شدن
- ۵- عدم وجود لامپ‌های سوخته و شکسته
- ۶- خوانا بودن فرم کالبدی فضای محله
- ۷- عدم نظارت غیررسمی از بالکن و پنجره

در رابطه با معیار فضای کالبدی در کاهش شکل‌گیری فرهنگ جرم‌زا در محلات می‌توان گفت که هر چه گویه‌های در ارتباط با این مؤلفه در محلات به‌درستی شناسایی و به کار گرفته شوند و ساماندهی گردند می‌توان تا حد زیادی از میزان جرم خیزی در محلات کاست. مؤلفه میزان روشنایی نیز همان‌گونه که در بندهای پیشین بدان اشاره گردید در رابطه مستقیم با وجود لامپ‌های کافی و سالم در محلات بوده که روشنایی کافی را در محلات تأمین کنند و در نتیجه موجب کاهش و از بین بردن نقاط کور در محلات و ایجاد دید بهتر برای رهگذران می‌شوند که با این کار ساکنان محله می‌توانند به درستی افراد غریبه را از افراد ساکن در محله و آشنایان تشخیص داده که این مسئله خود موجب تقلیل میزان جرم در نواحی شهری می‌گردد. مؤلفه سوم که مورد بررسی قرار گرفته است مؤلفه پاکیزگی در محیط می‌باشد که از طریق فرهنگ‌سازی ساکنان جهت جداسازی و تفکیک زباله‌ها در مبدأ و قرار دادن سطل‌های زباله در قسمت‌های مختلف معابر در محلات این پاکیزگی حاصل شده و در نتیجه منجر به کاهش فرهنگ جرم‌زا در محلات شهری می‌گردد.

پیشنهادها و راهبردها

از مهم‌ترین راه‌کارهای مدیران شهری می‌توان به بحث فرهنگ‌سازی و همچنین ارائه امکانات و خدمات در محله‌های مرفه و غیر مرفه شهر بابل‌سرا اشاره کرد. از طرفی مدیران شهری باید به‌عنوان یک مجموعه در کنار هم برنامه‌هایی را در جهت کاهش شکل‌گیری فرهنگ جرم‌زا در محله‌ها تهیه و تدوین کنند، نه این که هر یک از سازمان‌ها برای خود برنامه جداگانه‌ای ارائه دهد. برای مثال باید در محلات مورد پژوهش سیستم روشنایی محله را برای پیشگیری از جرم و بزهکاری و امنیت در محله تأمین کنند و از طرف دیگر باید مراقب سالم نگه داشتن و حفظ و جلوگیری از شکسته شدن لامپ‌ها باشند.

از طرفی دیگر پلیس انتظامی نیز با توجه به در دست داشتن قوه اجرای احکام و برقراری امنیت، به طور مستقیم با این موضوع در ارتباط است.

پلیس انتظامی می‌تواند در مرحله اول با مکان‌یابی مکان‌های جرم در محلات مرفه و غیرمرفه شهر بابل‌سرا نسبت به برقراری امنیت در آن محلات برنامه‌ریزی کند و از طرفی می‌تواند با ایجاد سیستم نرم‌افزاری قوی در اداره پلیس

سابقه مجرمان را نگه دارد و برای آن‌ها پرونده ویژه‌ای داشته باشد. همچنین با نصب دوربین‌های مداربسته در مکان‌های مختلف محلات در بابلسر می‌تواند نسبت به دستگیری افراد مجرم سریع‌تر عمل کند. همچنین نیاز پلیس به برنامه‌ریزی مکان‌یابی ایستگاه‌های پلیس در محله‌های شهر یک نیاز اساسی به شمار می‌آید. پلیس انتظامی با اجرای این برنامه‌ها و همچنین همکاری با سازمان‌ها و ادارات دیگر، می‌تواند در پیشگیری از فرهنگ جرم‌زا در محلات مرفه و غیرمرفه شهر بابلسر نقش زیادی داشته باشد.

با توجه به تحلیل یافته‌ها و آزمون فرضیات و نتایج حاصل و به‌منظور کاهش شکل‌گیری فرهنگ جرم‌زا در محلات مرفه و غیر مرفه و ایجاد فضای امن شهری در کل شهر بابلسر، پیشنهادهایی در جهت کنترل و مقابله با شکل‌گیری فرهنگ جرم و جنایت در فضاهای شهری تهیه شده است.

- بهسازی ساخت‌وسازهای کالبدی و نورپردازی معابر و کوچه‌های محله‌های غیر مرفه شهر بابلسر.
- تغییر در طراحی فضاهای گم و فاقد دید بصری به‌خصوص در محلات غیر مرفه بابلسر (بی بی سرروزه و قائمیه).
- افزایش مراکز پلیسی و امنیتی در محلات بابلسر، که کنترل مناسب را در محلات افزایش دهد.
- تخصیص و ساماندهی سرانه‌های تأسیساتی، تجهیزاتی و فراهم کردن خدمات مورد نیاز شهروندان بابلسر و برقراری تعادل و برابری در استفاده و بهره‌برداری از خدمات شهری بین محله‌های مرفه و غیرمرفه بابلسر.
- ایجاد فضای سبز خطی در حاشیه کانال‌های آبرو در معابر محله بی بی سرروزه
- ساماندهی زمین‌های بلا استفاده در محله بی بی سرروزه و قائمیه
- ساماندهی فضاهای تجمع در محله قائمیه
- منقطع کردن پرچین‌های ممتد و ایجاد دسترسی در خیابان‌های محله بی بی سرروزه
- تقویت آماج جرم، قفل‌ها، درها و پنجره‌های محکم‌تر به‌منظور پیشگیری از سرقت وسایل مقاوم‌تر در برابر وندالیسم

- حذف آماج جرم؛ برای مثال نقل و انتقال بانکی به جای پرداخت نقدی ماهانه
- حذف وسایل ارتکاب جرم؛ برای نمونه برداشتن سنگ‌های پخش شده در زمین‌های نزدیک به ساختمان‌های عمومی شیشه‌ای.

- کاهش سودآوری برای بزهکاران؛ برای مثال ثبت کدپستی یا پلاک خانه روی کالاهای باارزش جهت دشوار کردن تصرف بزه کار در آن‌ها.

- نظارت رسمی از سوی پلیس‌ها و شرکت‌های امنیت خصوصی و مهم‌تر از آن‌ها نگهبان محلات
- نظارت از سوی مستخدمان محله‌ها،

- مدیریت محیطی

- ارائه امکانات و خدمات و فرهنگ‌سازی استفاده از آن‌ها از سوی مدیران شهری

- طراحی عاری از جرم و نصب دوربین‌های مداربسته

- گسترش بهداشت و معرفی برنامه‌های آموزشی و پرورشی در مدارس

- امدادسانی به جوانان به شکل کارهای اقتصادی

- کاشت درختان مناسب در معابر و فضاهای باز شهری در محله قائمیه در مسیر منتهی به پردیس دانشگاه مازندران
- ایجاد اشتغال و رفع معضل بیکاری در این محلات، موضوع مهمی است که می‌تواند از بروز اعمال مجرمانه جلوگیری کند و محله را به تدریج از ابعاد مختلف اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی به سامان رسانده و نیاز به اعمال مجرمانه از سوی افراد را برای رفع مسائل و مشکلات خود را غالباً در زمینه مسائل مالی و اقتصادی است، به حداقل برساند.

- فرهنگ‌سازی و تقویت زمینه‌های فرهنگی ساکنان محلات از طریق جلوگیری از ترک تحصیل افراد، با عنایت به این واقعیت مهم که فرهنگ زیربنای هرگونه تغییر و تحول و توسعه محسوب می‌شود. البته، این عامل میسر نخواهد شد مگر با توجه به امر بسیار مهم ایجاد اشتغال و تأمین نسبی اقتصادی افراد و خانواده‌های ساکن در محلات غیرمرفه.

- تلاش و توجه دلسوزانه سازمان‌های ذی‌ربط، مانند: تأمین اجتماعی، بهزیستی، شهرداری و ... برای رفاه و رفع نسبی مشکلات موجود در محلات که مستقیماً در ایجاد زمینه‌های ارتکاب به جرم ساکنان دخیل است.
از سویی دیگر در محلات مورد بررسی به‌منظور کاهش جرم خیزی می‌توان پیشنهادهایی را به‌صورت زیر دسته‌بندی کرد:

الف) تقویت قلمروهای طبیعی:

تقویت احساس مالکیت مردم ساکن نسبت به محدوده با مکان‌یابی کاربری‌های محلی مانند سوپر و نانواپی.

ب) کنترل دسترسی:

برای این منظور در طراحی، مکان‌یابی و نحوه دسترسی پیاده‌روها باید لحاظ شود تا در آن‌ها شفافیت و تعریف‌پذیری وجود آید.

پ) نظارت طبیعی:

به نظر می‌رسد که بایستی امکان نظارت مستقیم شهروندان بر فضای شهری ممکن شود و از ایجاد محیط‌های کور و دور از دسترس که پتانسیل جرم خیزی را افزایش می‌دهد جلوگیری به عمل آورد؛ از جمله این موارد می‌توان به ایجاد بازار موقت میوه و دکه‌های روزنامه‌فروشی اشاره کرد.

ت) حمایت از فعالیت‌های اجتماعی:

با ایجاد فعالیت‌های اجتماعی در مکان‌های برخوردار از پتانسیل جرم خیزی می‌توان میزان نظارت مردمی بر این مناطق را افزایش داد تا این مناطق با برخورداری از رفت‌وآمدهای مردم عرصه‌ای برای تعاملات اجتماعی و نظارت شهروندان صورت گیرد. مانند ایجاد پارک خطی و کاربری‌های فعال در تمام ساعات شبانه‌روز.

این تحقیق با ارائه مجموعه برخی از مؤلفه‌های کالبدی تأثیرگذار بر شکل‌گیری فرهنگ جرم‌زا، خصوصیات فضای امن محله‌های شهری را برای محله شهری معرفی می‌کند. که بدین‌صورت کارشناسان برنامه‌ریزی شهری، طراحان و شهرسازان شهرها به‌ویژه کارشناسان شهرداری بابل‌سر با استفاده از این خصوصیات بتوانند در ایجاد فضای امن شهری موفق باشند. از طرفی دیگر ماحصل این پژوهش را می‌توان در سازمان‌ها و طرح‌های مختلفی به کار برد از

جمله آن می‌توان به استانداری، سازمان مسکن و شهرسازی، فرمانداری، نیروی انتظامی، شهرداری، سازمان گردشگری و میراث فرهنگی و... اشاره کرد.

در نهایت لازم است متذکر شویم که با توجه به مطالعات انجام شده در زمینه کاهش فرهنگ جرم خیزی در محلات شهری، تحقیقات بعدی پیرامون مسائلی در رابطه به طراحی اولیه فضاهای شهری و توجه به فضاهای جمعی در شهر باشد تا به حداقل رساندن میزان جرم خیزی در نواحی مختلف شهرها و افزایش میزان امنیت شهروندان بیانجامد. همچنین می‌توان در پژوهش‌های بعدی میزان امنیت و برقراری آن برای خردسالان و کودکان و نوجوانان ساکن در محلات را مورد بررسی و سنجش قرار داد.

همچنین باید عنوان کرد که برای جرم‌زدایی در محلات شهر بابلسر به‌خصوص محلات غیرمرغه و حاکم بودن امنیت در آنها، هیئت‌هایی مرکب از نمایندگان فرهنگی، روانشناسان، جرم‌شناسان، معماران و شهرسازان تشکیل شود. تبادل اطلاعاتی این متخصصان می‌تواند در بهبود فضاها مؤثر باشد.

References:

- Abdollahi Haghi, Maryam (2004), Crime prevention through urban land use planning in Zanjan, master thesis, University of Zanjan.
- Aghaeinia (1997), Reflection on Causes of Crime, Security Magazine, No 2, Tehran, Department of the Interior Ministry's security.
- Bayat, Bahram (2008), Explain the sociological sense of security among citizens, Supervisors: Mehdi Adibi, Rasoul Rabbani. PhD thesis, University of Isfahan, Faculty of Science and Literature Humanities, Department of Sociology.
- Bahreyni, Seyyed Hossein (1998), Urban design process, University of Tehran, Tehran.
- Bahreyni, Hossein & Tajbakhsh, Golnaz (1998), The concept of territory in urban design, Journal of Fine Arts, Tehran University, No 6.
- Bennett, Trevor., (1986), Situational Crime Prevention From The Offender Perspective, In Heal & Laycoke.
- Carmona, matthew, Heath Tim, oc, taner and tiesdell steven (2003), public places urban spaces, Architectural press, New York, Paris.
- Clarke, R.V. (ED.) (1997b), Rational Choice and Situational Crime Prevention, Ashgate.
- Clarke, R.V. (Ed.) (2001), Situational Crime Prevention: Successful Case Studies, 2nded., Harrow and Heston, New York, NY.
- Cozens, P.M., Neale, R.H., Whitaker, J., Hillier, D., Graham, M. (2003), "A critical review of street lighting, crime and the fear of crime in the British City", Crime Prevention and Community Safety: An International Journal, Vol. 5 No.2.
- Cozens, P.M., Saville, G., Hillier D., (2005), Crime Prevention Through Environmental Design, Property Management, Vol. 23, No.15.
- Crowe, T. (2000), Crime Prevention Through Environmental Design: Applications of Architectural Design and Space Management Concepts, 2nd ed., Butterworth-Heinemann, Oxford.
- Dehkoda, Ali Akbar, (1998), dictionary, Tehran University Press, second edition, new course, Volume Two
- Dickens, Peter (1998), Urban sociology, translate by Dr Hossein Behravan, Mashhad; Astan Quds Razavi Press.
- Farrington, D.P., Welsh, C. (2002), Effects of Improved Street Lighting on Crime: A Systematic Review, Crown Copyright, London, Home Office Research Study 251, Development and Statistics Directorate.
- Ghurchi Beygi, Majid, (2007), Theoretical Foundations of crime prevention with environmental design (CPTED), Proceedings of the Regional Conference on situational prevention of crime, Azad University, Abarkouh, Yazd.

- Heydarzade, Zahra. (2013), Achieving sustainable urban security in insecure areas with CPTED approach, case study: Javadieh neighborhood Bojnoord. National Conference on Architecture and Urbanism and sustainable development of vernacular architecture with a focus on the sustainable city (Mashhad).
- Falahat, Mohammad Sadegh (2006), The concept of a sense of place and its factors of shaping, Journal of Fine Arts, Tehran University, No 26.
- Gozón, Raymond (2005), Theoretical Criminology, translate by Mehdi Keynia, First Edition, Tehran, Majd.
- Heshmati, Mohammad (2003), Defensible space- Urban design strategies to prevent and reduce crime, Tehran; Master's Thesis Faculty of Architecture and Urbanism, University of shahid Beheshti.
- Kalantari, Mohsen (2003), Geodetic survey of crime in the areas of Tehran, Tehran, PHD thesis, Literature Faculty of Tehran University.
- Lynch, Kevin (1993), The face of city, translate by Manoucher Mozayani, Tehran University Press.
- Mollazade Ganji, Javid. (2013), the Study characteristics of the neighborhood in urban crime prevention, university of Mazandaran, Master's Thesis, Supervisor: Sedighe Lotfi.
- Mosavati Azar, Majid (1995), Social pathology- Sociology of deviance, Tehran, Nobel Publications.
- Ogawa, Akiko- Shibasaki, Ryosuke (2003), Analysis of the relations between the occurrence of crime and its spatial tendency in shibuy an area, Tokyo, Tokyo university.
- Perkins, D. D, A. Abraham, R. Richard, and B. Taylor (1993), the physical Environment of street crime, Journal of Environmental psychology.
- Pier Moure, Marry Alen, Iiz Sabri (1994), Urban Spaces (design, Performance, management), translators: Hossein Rezaei, Mir Moezoddin Mojabi, Mohsen Rasouli, Tehran; Public Relations Department of Tehran Municipality and international.
- Poyner, B., Webb, B. (1997), "Reducing theft from shopping bags in city centre markets", in Clarke, R.V. (Eds), Situational Crime Prevention: Successful Case Studies, 2nd ed., Harrow and Heston, Guilderland, NY.
- Rahmat, Mohammad Reza, (2009) PhD student of Criminal and Criminology in Azad University, Tehran Research Science, Management crime prevention in urban designing.
- Rvzbnam, Lourijiu, Viewless (2000), prevention of crime and environment, translate by reza Parvizi, Security Monthly, forth year, No 11 & 12, Interior Ministry security department.
- Sanei, Parviz, (1993), General criminal law, Library Treasure of Knowledge, Tehran, second edition, Volume one.
- Sarir afraz, Mohammad. Makian, Somaye Sadat. Fahimifar, Fateme. (2009), Prevention of crime: Infrastructure to make society safe. Conference Proceedings of Favorite Safe Community, Tehran.
- Spelman, W. (1993), "Abandoned buildings: magnets for crime?" Journal of Criminal Justice, Vol. 21 No.3.
- Trancik, Roger (1986), Finding lost space, Van Nostrand Reinhold company, New York.
- Wekerl.G.R, Whitzman. C. (1994), Safe Cities; Guidelines for Planning, Designing and Management, Van Nostrand Reinhold, Canada.
- Wekerl.G.R. & Whitzman. C. (1995), Safe Cities; Guidelines for Planning, Designing and Management, Van Nostrand Reinhold, Canada. university-Department of political science and criminal Justise.
- Wilson, J.Q. & Kelling, G.L. (1982), "The police and neighbourhood safety 'Broken windows', The Atlantic Monthly, Vol. 3 No.2.